

مقام معنوی معلم

محمد رضا عطایی

اش...اره
جایگاه معلم در نظام آموزش و پرورش از جهات گوناگون می‌تواند مطرح شود؛ علمی، اخلاقی، تربیتی، اداری، اجتماعی و... آن‌چه در این نوشتار آمده است، جایگاه اخلاقی - تربیتی معلم است که براساس رهنمودهای امام خمینی (ره)، بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، تبیین شده است. این نوشته که با ویرایش و تلخیص در این جا به چاپ می‌رسد، به قلم آقای محمدرضا عطایی، دانش‌آموخته مرکز تربیت معلم مشهد تدوین شده و اصل آن در کنگره بررسی اندیشه و آثار امام خمینی که در خرداد ۱۳۷۳ در تهران برگزار شد، ارائه و سپس در مجموعه مقالات آن کنگره از انتشارات مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی چاپ شده است. رشد

جایگاه معلم

سخن گفتن از جایگاه معلم و مقام والا و منبع او کار آسانی نیست و هر قدر که در این زمینه گفته و نوشته شود، حق مطلب ادا نمی‌گردد، ولی از باب مالا یدرک کله لایترک کله، امید است مطالبی سودمند و قابل توجه تقدیم شود. باری، معلم کسی است که با پرارزش‌ترین و گران‌قدرترین موجود یعنی انسان سر و کار دارد و به فرموده رهبر کبیر انقلاب قدس سره خطاب به معلمان: «شغل شما شغل انسان‌سازی است. معلم، انسان درست می‌کند. معلمی همان شغل انبیاست» به راستی می‌توان گفت، هر کس در هر پست و مقامی که هست، علاوه بر همت والا و پشتکار و تلاش خویش، مرهون معلمان است و بلکه حیات معنوی هر کسی در گرو تغذیه از خوان نعمت معلمان است. همان‌طور که در تفسیر آیه شریفه «فلینظر الانسان الی طعامه» آمده است، آدمی باید توجه کند که از چه کسی علم می‌آموزد و تغذیه علمی و تربیت خود را از دست چه کسی می‌گیرد.

امام امت رضوان الله علیه، خطاب به معلمان و استادان می‌فرماید: «گمان نکنید که یک نفر، ده نفر، پنجاه نفر پیش شما هست و شما آن پنج نفر یا ده نفر، یا پنجاه نفر را تعلیم می‌دهید و ممکن است که خیال کنید که این عده چیزی نیستند، دیگران کارها را انجام بدهند. ممکن است بین همین ده نفر، همین پنجاه نفر که شما تعلیم می‌دهید، یک شخص پیدا شود که بعدها [شخصیتی مهم] بشود یک مقام عالی داشته باشد. رئیس جمهوری یک مملکت بشود. نخست‌وزیرش بشود. به مراتب عالی‌تر کشور دست بیاید. اگر چنانچه همین یک نفری که پیش شما بوده و بعد هم رفته پیش کسان دیگر تا رسیده به آن آخر،

یک تربیت فاسدی بشود، و هیچ کاری به این نداشته باشیم که این باید تربیت انسانی هم بشود، یا خدای نخواستگرم معلم منحرفی باشد و این کودک از اول و بعد هم در مراتب دیگر تحت یک تربیت انحرافی واقع بشود، ممکن است همین یک نفر یک کشور را به باد فتابدهد...»

در همه قرآن و کلام معصومین علیهم السلام که به دقت بنگریم، می‌بینیم علم را امتیاز و ارزش معرفی می‌کنند. ولی ارزش ایمان و تقوا را بالاتر از آن، بلکه علم بدون ایمان و تقوا را نکوهش می‌کنند. علم بدون جهت صحیح و منهای تزکیه و ایمان به خدا، یعنی اسلحه دادن به دست جاهل و به قول مولوی سلاح در دست زنگی مست است:

بدگهر را علم و فن آموختن
دادن تیغ است دست راهزن
تیغ دادن در کف زنگی مست
به که افتد علم را نادان به دست
علم و مال و منصب و جاه و قرآن
فته آرد در کف بدگوه‌ران

مکتب انسان‌ساز اسلام بانگرشی وسیع به مامی آموزد که دنیا و مقام و مال و منال دنیوی نباید هدف باشد، بلکه هدف رسیدن به قرب الهی و کمال معنوی است و علم از دیدگاه اسلام نوری است که از جانب خدا تفضلاً به انسان عنایت می‌شود. چنانچه در روایت عنوان بصری از امام صادق علیه السلام آمده است: «العلم نور یقذفه الله تعالی فی قلب من یشاء»؛ یعنی علم نوری است که خدا در قلب هر کس که بخواهد می‌تاباند. امام علی امیرالمؤمنین (ع) هم می‌فرماید: «اینها

الناس اذا علمتم فاعملوا بما علمتم لعلكم تهتدون، ان العالم العامل بغير علمه كالجاهل الحائر الذي لا يستفيق عن جهله بل قدر ايت ان الحجة عليه اعظم والحسرة ادموم اي مردم، مطابق علمي كه داريد عمل كنيد، شايد هدايت شويد، زيرا عالمي كه به علمش عمل نكند، مانند جاهل سرگرداني است كه از جهلش راه به جايي نمي برد، بلكه به نظر من حجت بر او تمام و حسرت و تأسف او بي پايان است. به هر حال علمي كه در آن تهذيب و تزكيه نباشد، زبان بار و مضر است، همان طور كه امام امت مي فرمايد: «اگر علم تنهاي بي تقوا باشد، ولو علم توحيد باشد، آن علم ارزش ندارد. علم تنها اگر ضررش بر ملت ها و بر اسلام بالاتر از نفعش نباشد، كه هست، بايد گفت بي تقوا مي تواند يك كشوري را و انسان هايي را به باد فنا بدهد. و آن كسي كه عالم تر است، بهتر مي تواند مردم را فاسد كند، پس بايد همراه اين آموزش، آموزش تقوا هم باشد...»

به راستي آيا بيشتر مفاسد دنيا بر خاسته از علم بدون ايمان نيست؟ آيا كسي كه بمب اتم و اختراع كرد، نمي دانست كه اين نيرو انسان كش و نسل برانداز است؟ آيا قدرتمنداني كه دستور استفاده از اين قبيل ابزار مخرب را مي دهند، از خطرات ويرانگر آن ناگاهانند؟ و آيا تمام كساني كه از جديد ترين اختراعات علمي عليه مشريت استفاده مي كنند، جاهل اند؟ پاسخ همه اين پرسش ها روشن است. همان طوري كه هر پرنده اي با دو بال پرواز مي كند، انسان هم براي پرواز به اوج كمال و قله انسانيت، به دو جناح علم و ايمان احتياج دارد تا بتواند در فضاي معنوي اوج بگيرد و به سر منزل مقصود برسد و به قرب الهي كه كمال نهايي اوست، نائل شود.

با توجه به جامعيت و جاودانگي دين مبين اسلام كه خداوند آن را براي تمام انسان ها در همه زمان ها قرار داده و با اعتقاد به اين كه بهترين راه عملي براي آموزش هر مكنتي، ارائه الگو و نمونه هاي عيني است، از اين رو نخستين معلمان و كامل ترين مربيان همان انبيا و اوصياي ايشان عليهم السلام اند كه افضل انبيا رسول گرامي اسلام حضرت محمد (ص) و افضل اوصياي مرتضى و ائمه هدي عليهم السلام هستند. «اينان نمونه هاي عيني براي همه جوامع انساني هستند، نه فقط جامعه اسلامي». لذا از ديدگاه ما، كلام، فعل و تقريرشان براي همه حجت است. و پس از ايشان، دانشمندان عالي قدر و عالمان پرهيزگار، نمونه هاي عيني و تجسم عملي اسلام اند. اين است كه رهبر فقيد انقلاب رضوان الله تعالي عليه مي فرمايد: «چنان چه معلم، معلمی باشد كه دعوت به نور بكنند، دعوت به صلاح بكنند، دعوت به اسلام بكنند، دعوت به اخلاق صالحه بكنند، دعوت به ارزش هاي انساني بكنند، آن ارزش هايي كه عندالله ارزش است، اگر معلم اين كار را بكنند، همان طور كه انبيا مردم را از ظلمت به نور مي كشانيدند، اين معلم هم اين بچه ها را از ظلمات به نور وارد مي كند و همين شغل است كه شغل انبياست.»

فضيلت علم و دانش

وقتي خداوند متعال مي خواهد چشم بصيرت انسان را در برابر حقيقت باز كند، مي فرمايد: «و هو الذي خلق سبع سموات و من في الارض مثلهن لتعلموا ان الله على كل شئي قدير»؛ يعني او خدائي است كه هفت آسمان را آفريد و زمين را همسان با آن خلق كرد تا فرمائش ميان اين دو پديده شگرف فرود آيد، با اين هدف كه شما از علم و بصيرت برخوردار گرديد؛ بصيرتي كه شما را به قدرت و توانايي گسترده الهي رهنمون گردد. در او اين سوره اي كه بر پيامبرش حضرت ختمي مرتبت (ص) فرو فرستاد، ارزش نعمت علم و دانش را بازگو

كرد و بر آدمي چنين منت گذارد كه در ميان همه پديده هاي هستي، تو را به علم و دانش ممتاز ساخته ام. «اقرأ باسم ربك الذي خلق، خلق الانسان من علق، اقرأ وربك الاكرم الذي علم بالقلم...»
در يك جمع بندي فشرده مي توان چنين گفت: قرآن كريم علما و دانشمندان را با پنج امتياز بر جسته بر ساير گروه ها امتياز بخشيده است:
۱. ايمان «والراسخون في العلم يقولون آمنا»
۲. اعتقاد به توحيد و يگانگي خدا «شهد الله انه لا اله الا هو و الملائكة و اولوا العلم»
۳. انده و تأثر و لابه از بيم پروردگار «يخرون للأذقان و يبكون»
۴. خشوع و انعطاف دروني «ويزدهم خشوعا»
۵. ترس و خشيت از خدا «انما يخشى الله من عباده العلماء».

يك شاهد تاريخي

ابن بابويه از عروة بن زبير روايت کرده است، روزي در مسجد رسول الله (ص) با جمعي از صحابه نشسته بوديم. ياد كرديم اعمال و عبادات اهل بدر و اهل بيعت رضوان را. ابو درداء گفت: مي خواهيد شما را خبر دهم به كسي كه مالش از همه صحابه كمتر و عملش بيشتر و سعي اش در عبادت زياد بود؟ گفتند: آن شخص كيست؟ گفت: علي بن ابى طالب (ع). چون اين سخن را گفت، همگي روي از او برگردانند. شخصي از انصار گفت: ابو درداء سخني گفتي كه هيچ كس با تو موافق نبود، گفت: من آن چه ديده بودم، گفتم، شما نيز هر چه از ديگران ديده ايد، بگويد. من شبی در نخلستان بنی النجار خدمت آن حضرت رسيدم. پشت درختان خرما با آواز حزين و نغمه اي درناك مي گفت: «الهي چه بسيار گناهان كه از دوش من برداشتي و در برابر آنها نعمت فرستادي و چه بسيار بدی ها كه از من صادر شد، كرم كردي و رسوايم نكردي. الهي عمر من در معصيت تو بسيار گذشت و گناهان من در نامه اعمال عظيم شد. پس من غير از آموزش تو اميد ندارم و به غير خشنودي تو آرزو ندارم». از پي آن صدارفتم، ديدم امير المؤمنين (ع) است. پشت درختان پنهان شدم. آن حضرت ركعات نماز بسياري انجام داد. چون فارغ شد، مشغول گريه و مناجات شد. از جمله مي گفت: «الهي چون در عفو و بخشش تو فكر مي كنم، گناه من بر من آسان مي شود و چون عذاب عظيم تو را به ياد مي آورم، بليۀ خطاها بر من عظيم مي شود (حالت كامل خوف و رجاء). آه، اگر بخوانم در نامه عملم گناهي چند را كه فراموش کرده ام و تو آنها را احضار فرموده اي، پس بگويي به فرشتگان بگيريد او را، پس واي بر چنين گرفته شده اي و اسيري كه خويشان او را نجات نمي توانند بخشيد و قبيله اش به فريادش نمي توانند رسيد و جميع اهل محشر بر او ترحم كنند. آن گاه فرمود: «آه از آتشي كه جگرها را بريان مي كند. پس بسيار گريست تا اين كه ديگر صدابي از آن حضرت نشنيدم». ابو درداء در پايان گفتارش اضافه مي كند: به خدا سوگند، چنين عبادتي را از هيچ يك از اصحاب پيامبر (ص) نديدم.

احاديث در فضيلت علم

احاديث در اين باره بيش از حد احصاست، ولي براي نمونه به چند مورد اشاره مي كنيم:
الف) طلب العلم فريضة على كل مسلم؛ دانش جويي بر هر مسلماني واجب و لازم است.
ب) در سفری كه امير المؤمنين (ع) مأمور عزيمت به يمن شدند تا

■ امام امت رضوان الله عليه، خطاب به معلمان و استادان مي فرمايد: «گمان نكنيد كه يك نفر، ده نفر، پنجاه نفر پيش شما هست و شما آن پنج نفر پياده نفر، يا پنجاه نفر را تعليم مي دهيد و ممكن است كه خيال كنيد كه اين عده چيزي نيستند، ديگران كارها را انجام بدهند. ممكن است بين همين ده نفر، همين پنجاه نفر كه شما تعليم مي دهيد، يك شخص پيدا شود كه بعدها [شخصيتي مهم] بشود. يك مقام عالي داشته باشد»

سردم را با حقایق اسلام آشنا کنند، رسول خدا (ص) فرمود: «لأن یهدی الله بک رجلاً واحداً خیرٌ لک من أن ینزلک حمر التعم»؛ یعنی یا علی! اگر یک فرد به وسیله تو (به مدد الهی) طریق هدایت را باز یابد و به حق رهنمون گردد، پر ارزش تر و بهتر از آن است که مالک شتران سرخ موی فراوانی باشی. و در حدیث دیگری فرمود: «... خیرٌ لک من الدنیا و مافیها». در سخنان پیامبر اکرم (ص) آمده است که فرمود: «موضوع هدایت و ارشاد مردم که هدف بعثت و رسالت مرا تشکیل می دهد، نظیر ریزش باران است؛ بارانی که در مناطق و سرزمین های متفاوت فرو می ریزد. برخی از سرزمین ها پاکیزه و آماده است که آب را در خود جای می دهد و در نتیجه ریزش باران در این سرزمین ها گیاه را می رویند و برخی از سرزمین ها (هم چون سنگستان) سفت و سخت است که آب در آن نفوذ نمی کند، بلکه روی زمین جمع می شود و خدا مردم را از آن آب سودمند ساخته تا بیاشامند و سیراب گردند و مناطق کشاورزی خود را با این ذخایر، آبیاری کنند و بارور سازند. اما برخی از سرزمین ها کویر و شنزار است، نه آب را روی خود نگاه می دارد و نه گیاهی را می رویند. این مثل، بیانگر حالات متفاوت کسانی است که زیر بارش هدایت ها و ارشاد های من قرار می گیرند. بعضی مردم از رهاوردهای الهی من به گونه ای بهره مند می گردند که نه تنها خود دارای بصیرت دینی می شوند، به دیگران نیز بینش خود را منتقل می سازند و آنان را تحت تعلیم قرار می دهند. اما بعضی دیگر در برابر این فیضان و بارش چنان سخت و غیر قابل انعطاف هستند که اساساً سرشان را بالا نمی گیرند و به فیضان الهی توجهی نمی کنند و باران هدایت را در خود نمی پذیرند؛ هدایتی که من نسبت به آن احساس مسئولیت می کنم...»

باران که در لطافت طبعش خلاف نیست در باغ لاله روید و در شوره زار خس

شاهد تاریخی

روزی رسول خدا (ص) وارد مسجد شد و در آن جا با دو گروه مواجه گشت. گروهی سرگرم کسب بصیرت دینی و علم آموزی بودند و گروهی دیگر، مشغول دعا و درخواست از خدا، پیامبر (ص) فرمود: هر دو گروه در جهت خیر و صلاح قرار دارند، چون گروه اخیر خدای را می خوانند و آن گروه اول سرگرم فرا گرفتن بینش و دانش هستند و می خواهند دانش و آگاهی خود را از رهگذر تعلیم به دیگران منتقل سازند. اما گروه اول بر گروه دوم امتیاز دارند. سپس فرمود: «من به خاطر تعلیم (حقایق) مقام رسالت مبعوث شدم» و آن گاه به گروه اول پیوست.

تربیت و تزکیه مقدم بر تعلیم

با تمام فضایی که برای علم و دانش در متون اسلامی آمده است و ما بخشی از آن ها را آوردیم، آن چه را که می توان به وضوح فهمید و در اکثر آیات شریفه قرآنی و احادیث معصومین علیهم صلوات الله و سرحامشاهده می شود، تقدم تزکیه بر تعلیم است. رهبر فقید انقلاب اسلامی در این زمینه خطاب به مدرسان و دانشجویان تربیت معلم می فرمایند: «شما که برای تربیت معلم قیام کرده اید و هر کس که برای تربیت معلم قیام کرده است، باید بداند که اولاً این شغل، شغل الهی است (خدای تبارک و تعالی مربی معلمان است که انبیا باشند). و ثانیاً تربیت و تزکیه مقدم بر تعلیم است. مدرسه های ما و دانش سراهای ما، دانشگاه های ما و همه مدارس علوم... این ها اگر چنانچه در آن ها

تربیت باشد، تزکیه باشد، آن ها می توانند خدمت ها بکنند. برای بشر سعادت به هدیه بیاورند و همه سعادت های بشر از علم و ایمان و تزکیه است».

اهمیت شغل معلم نیز در ارتباط با تربیت و تهذیب شاگردان و انسان پروری اوست و در این بعد است که مورد تعظیم و تکریم می باشد. «کوشش انبیا و ائمه بعدت در تمام قرن ها تربیت این موجود (انسان) است. این موجودی که عصاره همه مخلوقات است و با اصلاح او عالم اصلاح می شود و با فساد او به فساد کشیده می شود. کوشش انبیا از اول تا آخر این بوده است که این موجود را به صراط مستقیم دعوت کنند و راه ببرند. نه همان هدایت و گفتن تنها (تعلیم تنها کافی نیست)، بلکه راهنمایی و الگو بودن خودشان در اعمال و در افعال و در اقوال، برای این که این موجود را به آن کمالی که لایق است برسانند».

امام صادق علیه السلام می فرماید: «من تعلم الله عزوجل و عمل لله و علم الله دعی فی ملکوت السموات عظیماً». خلاصه آن که زمین با همه وسعتش از بزرگداشت مقام معلم و مربی که خود تربیت یافته و مهذب باشد و دیگران را تعلیم و تربیت کند، در مضیقه است و از چنین کسی در ملکوت آسمان ها به عظمت یاد می شود.

ویژگی های معلم خوب

اخلاص

معلم نمونه و خوب باید هدفش والا باشد و نیتش خالص و عاری از خودخواهی ها، زبرامحور و ارزش عمل و رفتار هر کس بر قصد و نیت و جهت گیری او مبتنی است و بر اساس همین جهت گیری است که گاهی اعمال و رفتار آدمی فاقد ارزش و اعتبار می شود و گاهی در سایه همان جهت گیری و نیت صحیح، الهی و پراج می گردد و چنان ارزشمند می شود که جز خدا کسی به علت گرانمایگی نمی تواند آن را ارزیابی کند، و عامل و ریشه اساسی اخلاص در نیت، همان تصفیه و تزکیه و پالایش درون و باطن است از هرگونه آلودگی ها و هوا و هوس ها. خدای تعالی می فرماید: «فاعبد الله مخلصاً له الدین». خدا را از روی خلوص عبادت کن و نیز می فرماید: «و ما امرنا الا لیعبد الله مخلصین له الدین». جز به عبادت خالصانه خدا آنان مأمور و موظف نشده اند. رسول اکرم (ص) می فرماید: «انیه المؤمن خیر من عمله» و «انما یبعث الناس علی نیاهم».

بدیهی است که اگر اخلاص نباشد، هیچ عملی از هیچ کس پذیرفته نیست. پیامبر (ص) فرمود: «اگر کسی چهار چیز را هدف دانش آموزی خود قرار بدهد، موجبات ورود به آتش دوزخ را برای خویش فراهم می نماید: ۱. بر دانشمندان فخر بفرودشد. ۲. با سفیهان و بی خردان در ستیزد. ۳. توجه و نظر دیگران را به خود جلب کند. ۴. از امر او دولت مردان اخاذی کند».

عالم بی عمل

قرآن مجید درباره عالمانی که به دیگران تعلیم می دهند ولی خودشان عمل نمی کنند، می فرماید: «انما یرون الناس بالبر و تسون انفسکم» و «یا ایها الذین امنوا لم تقولون مالا تفعلون کبر مقتدا عند الله ان تقولوا مالا تفعلون». در توصیف عالم بی عمل، به داستان بلعم باعورا اشاره می کند که در محضر درس او شاگردان زیادی حاضر می شدند تا گفته های علمی او را بنویسند، اما چون فاقد عمل بود، خدای متعال درباره او می فرماید:

«فمثلة كمثل الكلب ان تحمل عليه يلهث او تتركه يلهث»: او چون سگی است که اگر به او حمله بردی، زبان از کام برآورد و اگر رهایش کنی، (باز هم) زبان از دهان بیرون می کشد.

و نیز حضرت باری در وصف عالمان بی عمل می فرماید: «مثل الذين حملوا التوراه ثم لم يحملوها كمثل الحمار يحمل اسفارا»: داستان کسانی که بار علم به مضامین کتاب آسمانی تو را بر دوش می کشند، ولی عملاً زیر بار آن نمی روند، همانند الاغ است که بار نوشته ها را به دوش می کشد (و از آن ها سودی نمی برد).

سعدی باللهام از این آیه می گوید: «مراد از نزول قرآن، تحصیل سیرت خوب است، نه ترتیل صورت مکتوب.

علم چندان که بیشتر خوانی چون عمل در تو نیست نادانی نه محقق بودند دانشمندان چارپایایی بر او کتابی چند آن تهی مغز را چه علم و خیر که بر او هیزم است یا دفتر

مردی خدمت امام سجاده (ع) رسید، سؤالاتی کرد و امام (ع) پاسخ داد. دوباره رفت و برگشت و پرسش هایی در ادامه همان سؤالات اولیه مطرح کرد. حضرت فرمود: در کتاب انجیل چنین آمده است: «تا آن گاه که به دانسته های خویش عمل نکرده ای، از آن چه نمی دانید نپرسید. هر نوع علم و آگاهی که مطابق آن عمل نشود، کفر و ناسپاسی و مراتب دوری از خدا را افزایش می سازد.

«اکنون ادعاه الناس باعمالکم و لا بالسننکم»: مردم را با اعمالتان هدایت کنید نه با زبان و گفتار (تنها). دو صد گفته چون نیم کردار نیست.

حسن خلق و فروتنی

این مطلب دربارهٔ معلمان و مربیان بسیار حائز اهمیت است، زیرا شاگردان به استاد خود می نگرند و این نوع برخورد های معلمان در روحیه شاگردان تأثیر فراوانی دارد. دربارهٔ اخلاق و تواضع خواجه نصیر طوسی آمده است که روزی نوشته ای را به او دادند که نویسنده، ناسزا و دشنام زیادی به خواجه داده بود و او را کلب بن کلب خطاب کرده بود. خواجه پس از مطالعه نامه، به آورنده نامه پاسخ داد: «این که او مرا سگ خوانده است درست نیست، چه سگ چهار پا دارد و عوعو می کند و پوستش از پشم پوشیده و ناخن دراز است و این صفات در من نیست، بلکه قامت من راست و تنم بی مو و ناخنم پهن و ناطق و ضاحکم، و فصول و خواص من غیر سگ است و با آنچه نویسنده نامه نوشته است، متناقض است.»

علو همت و عفت نفس

باید معلمان و مربیان دارای عفت نفس و علو همت باشند و از جباران و اهل دنیا فاصله بگیرند و به خاطر طمع دنیوی کار گزار آن ها نشوند. رسول خدا (ص) فرمود: «الفضلاء امناء الرسل مالم یدخلوا فی الدنیا، قبل یا رسول الله و ما دخولهم فی الدنیا؟ قال اتباع السلطان فاذا فعلوا ذلک فاحذروهم علی دینکم»، یعنی فقیهان امانت دار پیامبران اند تا زمانی که اهل دنیا پرستی نشوند. پرسیدند: منظور از دنیا پرستی چیست؟ پاسخ داد: این که تابع پادشاه شوند، که اگر چنین کردند، از آن ها دوری کنید به خاطر دینتان.

رسالت معلم

امام امت قدس سره، در این باره خطاب به بانوان معلم می فرماید: «شما خانم ها که معلم هستید، دو شغل شریف دارید: یکی شغل تربیت فرزند که این از همه شغل ها بالاتر است. یک فرزند خوب شما اگر به جامعه تحویل بدهید، برای شما بهتر است از همه عالم، اگر یک انسان شما تربیت کنید، برای شما به قدری شرافت دارد که من نمی توانم بیان کنم...»

و در سخنی دیگر می فرماید: «... اگر این خانم ها بچه های مهدب بار بیاورند، بچه های اسلامی بار بیاورند، شما هم دینتان و هم دنیاتان محفوظ است. امانت های دیگر را اگر کسی خیانت به آن بکند خلاف کرده است... باید ضرر او را جبران کند، اما امانت اگر انسان شد، اگر یک طفل قابل تربیت شد، اگر خدای نخواست، این امانت به آن خیانت شد، یک وقت می بینی خیانت به یک ملت است، خیانت به یک جامعه است، خیانت به اسلام است.»

و باز می فرمایند: «... تربیت از دامن مادر شروع می شود تا برود به مدارس و دانشگاه ها و به جاهای دیگر، اگر چنانچه از دامن مادر که شروع شد خوب شروع شد و بچه را خوب تربیت کردند، آن که تحویل داده به دبستان، دبستان خوب تربیت کرد، آن که تحویل داد به دبیرستان، آن جا هم همین طور. آن که به دانشگاه یا به مدارس علمی دیگر، آن ها هم خوب تربیت کردند، یک وقت در یک برهه از زمان می بینید که جوان ها همه خوب از کار در می آیند و یک مملکت را به طرف خوبی می کشند.»

در پایان، ذکر دو مطلب دربارهٔ تعلیم و تربیت از اهمیت زیادی برخوردار و ضروری است:

۱. توجه به اصلاح خود

تا شخص ساخته نشود، نمی تواند دیگران را بسازد. چنین چیزی تعلیق بر محال و ناممکن است. به قول فلاسفه: فاقد شیئی معطی شیئی نمی شود.

ذات نایافته از هستی بخش

کی تواند که شود هستی بخش

توقع اصلاح جامعه بدون اصلاح آحاد آن جامعه، توقعی بی جا و نارواست، لذا امام امت قدس سره می فرماید: «هر کسی از خودش باید شروع کند و عقاید و اخلاق و اعمالش را تطبیق با اسلام بدهد و بعد از آن که خودش را اصلاح کرد، آن وقت دنبال این باشد که دیگران را اصلاح کند و خصوصاً شما که در دبیرستان ها هستید و همه آن هایی که سرو و کارشان با بچه ها، نوباوگان جوانان هست...»

۲. اقتضای زمان

باید توجه داشته باشیم که تربیت امروزی ما با تربیت دیروز پدرانمان متفاوت است و هم چنین، تربیت فرزندان ما با نسل های بعدی به راستی زمان عامل بسیار مهمی است و لازم است که پدران و مادران در منزل و اولیا و مربیان در مدارس، کودکان و نوجوانان را با شرایط روز تربیت کنند. همان طور که رهبر کبیر انقلاب خطاب به متصدیان مدرسه علوی فرمودند: شما متصدیان مدرسه علوی... بسیار خوب عمل کردید. بچه های ما را خوب تربیت کردید. فقط یک نکته بوده است که اشکال داشته و آن نکته از این به بعد مورد نظر تان باشد، و آن این که بچه های مادر هر زمانی موافق آن زمان باید تربیت شوند.»

سخن را با جمله ای از رساله الحقوق امام سجاده (ع) دربارهٔ حق استاد و معلم، به پایان ببریم: «اما حق پدر تو و استادت، تعظیم او و احترام مجلس اوست که خوب به سخنانش گوش کنی و توجه نمایی و او را یاری دهی تا آنچه نیاز داری به تو بیاموزد...»

داستان کسانی
که بار علم به
معنایین کتاب
آسمانی تو را بر
دوش می کشند،
ولی عملاً زیر بار آن
نمی روند همانند
الاغ است که بار
نوشته ها را به دوش
می کشد و از آن ها
سودی نمی برد